تأليفات حنفيان

تفسير قرآن

تفاسير كامل قرآن

مهمترين تفاسير كامل قرآن كه حنفيان نگاشته‌اند، عبارت‌اند از:

الف) تفسير ابوالليث سمرقندى كه به ترتيب سوره‌ها و آيات قرآن و آميزه‌اى از تفسير مأثور و تفسير به رأى است، ولى به طرح ديدگاه‌هاى فقهى حنفيان نپرداخته است.

ب) الكشّاف عن حقائق التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل، تأليف جاراللّه محمود بن عمر زمخشرى (متوفى 538) متكلم و اديب مشهور حنفى، كه از مشهورترين و كامل‌ترين تفاسير بلاغى قرآن به شمار مى‌رود. ويژگى بارز اين تفسيرِ ادبى، ذكر ديدگاه‌هاى كلامى معتزلى است.

ج) مدارك التنزيل و حقائق التأويل، اثر عبداللّه بن احمد نَسَفى، كه به تفسير نسفى نيز شهرت دارد. اين تفسير در اصل تلفيقى موجز از الكشاف زمخشرى و انوارالتنزيل عبداللّه بن عمر بيضاوى است، با اين ويژگى كه عقايد معتزلى در آن مطرح نشده است .

د) ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، اثر ابوالسعودبن محمد عمادى، كه آن نيز از تفاسير الكشاف و انوارالتنزيل بسيار تأثير پذيرفته است.

تفاسير آيات‌الاحكام

مهمترين تفاسير آيات‌الاحكام بر پايه فقه حنفى عبارتاند از:

الف) احكام القرآن اثرِ ابوبكراحمدبن على جصّاص. جصّاص در اين كتاب آيات فقهى 82 سوره از قرآن را به ترتيب مُصحَف تفسير نموده و در تفسير آيات، غالبآ به آراى فقهى صحابه، تابعين، ابوحنيفه، مالك بن انس، شافعى و فقهايى ديگر اشاره كرده، ولى گاهى فقط آراى حنفيان را ذكر نموده است.

ب) التفسيرات الاحمدية فى بيان الآيات الشرعية تأليفِ ملّاجيوَن (متوفى 1130) كه آيات فقهى بيش از شصت سوره قرآن را به ترتيب مصحف تفسير كرده و گاه به موضوعاتى غيرفقهى هم پرداخته است.

حديث

هرچند حنفيان به بى‌توجهى به حديث متهم شده‌اند، كتابهاى بسيارى درباره حديث و شرح آن تأليف كرده‌اند. برخى از مهمترين كتابهاى حديثى حنفيان عبارتاند از:

الف) كتاب الآثار اثر محمدبن حسن شيبانى، كه متضمن احاديث منقول اوست از طريق استادش ابوحنيفه و به ترتيب كتب فقهى تنظيم شده است .

ب) مُوَطَّأُ الامام محمد، كه روايت شيبانى از الموطأ مالك بن انس است و در آن پس از ذكر حديث، رأى خود و ابوحنيفه و گاه رأى بعضى از صحابه و مالك بن انس را نيز بيان كرده است.

ج) مشكل الآثار ابوجعفر طحاوى، كه براى حل تعارض بين احاديث تأليف شده است و جمال ملطى (متوفى 803) آن را با ترتيبى جديد باب‌بندى كرده و المعتصر من المختصر من مشكل الآثار ناميده است.

د) شرح معانى‌الآثار، اثر طحاوى، از مهمترين متون احاديث احكام در ميان حنفيان كه برخى از جمله عينى در نخب‌الافكار فى تنقيح مبانى‌الاخبار شرح معانى‌الآثار و محمديوسف كاندهلوى (متوفى 1385) در امانى‌الاحبار فى شرح معانى‌الآثار آن را شرح كرده‌اند.

ه ) عقود الجواهر المُنيفة فى ادلة مذهب الامام ابى‌حنيفة مما وافق فيه الائمة الستة او احدهم، اثر محمدبن محمد زبيدى، شاملِ آن دسته از احاديث احكام كه ابوحنيفه با سند خويش نقل كرده و صاحبان صحاح سِتّه (بخارى، مسلم، ابوداود، ترمذى، نسائى و ابن‌ماجه) يا برخى از آنها، آن احاديث را نقل كرده و پذيرفته اند.

كتب «شرح حديث»

علاوه بر آثار مذكور، شمارى از مهمترين كتابهاى «شرح حديث» كه حنفيان نگاشته‌اند، عبارت‌اند از:

الف) تحفة الاَبرار شرحُ مَشارِقِ الانوار، تأليف اكمل الدين محمد بابِرتى (متوفى 786)، كه از قديمترين شروح مشارق الانوار النَبَويّة حسن بن محمد صغانى (متوفى 650) است و آراى فقهى ابوحنيفه و اصحابش، مالك و شافعى را دربردارد.

ب) مَبارِقُ الاَزْهار فى شرح مشارق الانوار، تأليف عبداللطيف عزالدين ابن مالك (متوفى 801).

ج) عمدةالقارى اثر بدرالدين محمودبن احمد عينى، كه از مشهورترين شروح صحيح بخارى است. عينى ضمن اشاره به آراى فقهى حنفيان به توجيه آراى مخالف با احاديث نيز پرداخته است.

د) لَمَعاتُ التَنْقيح فى شرح مِشكاةُ المَصابيح، تأليف عبدالحق دهلوى (متوفى 1052).

ه) بذل المَجْهُود فى حَلِّ ابى داود، تأليف خليل احمدبن مجيد سهارنپورى (متوفى 1346)، شرح سنن ابى‌داود.

و) فتح المُلْهِم بشرح صحيح المُسْلِم، تأليف شبير احمد عثمانى (متوفى 1369)، شرحِ صحيح مُسْلِم .

از جمله مهمترين حواشى بر كتب حديثى مهم نيز مى‌توان به اينها اشاره كرد:

التعليق الممجّد على موطأ الامام محمد، تأليف ابوالحسنات محمد عبدالحى لكنوى (لكهنوى) هندى (متوفى 1304)؛

الكوكب الدُرّى على جامع التِرْمَذى، تأليف محمديحيى كاندهلوى (متوفى 1334)؛

و فَيْضُ البارى على صحيح البخارى، تأليف محمد انور شاه كشميرى (متوفى 1352)؛

 فقه

هرچند از ابوحنيفه اثرى فقهى برجاى نمانده، عالمان حنفى كتابهاى بسيارى در اين باب نگاشته‌اند. اين آثار را مى‌توان به چند گروه تقسيم كرد: آثار شاگردان او (به‌ويژه ابويوسف و شيبانى)، منابع جامع فقهى، كتابهايى درباره علم خلاف، و تك‌نگاري‌ها.

الف) آثار شاگردان.

ابويوسف انصارى (متوفى 182) در كتاب اختلاف ابى‌حنيفه و ابن‌ابى‌ليلى به تبيين مسائل مورد اختلاف ميان دو استاد خود پرداخته است. او در اين كتاب كه از كهن‌ترين منابع فقه حنفى است، مسائل فقهى را به اختصار بيان نموده و سپس ديدگاه ابوحنيفه و ابن‌ابى‌ليلى را ذكر كرده و گاه براى ديدگاه مقبول خود استدلال كرده است. اثر ديگر ابويوسف كتاب الخراج، از مهمترين كتابهاى فقه حنفى، است كه مؤلف آن را به درخواست هارون‌الرشيد تأليف كرده است.

محمدبن حسن شيبانى كه در واقع تدوين‌كننده فقه ابوحنيفه بود، آثار بسيارى نگاشت. كتابهاى وى دو قسم‌اند: ظاهرالرواية و نوادر. شش كتاب مهم او كه مسائل فقهى منقول از ابوحنيفه، ابويوسف و خود شيبانى را دربردارند و مسائل آنها به طريق متواتر يا مشهور از شيبانى روايت شده، اصول يا ظاهرالرواية ناميده شده‌اند و عبارت‌اند از: المبسوط، الجامع‌الصغير، الجامع‌الكبير، الزيادات، السِيَرالكبير و السِيَرالصغير. اين كتب در فقه حنفى مرجع به شمار مى‌روند .

نخستين منبع فقهى حنفيه، الاصل يا المبسوط است كه شيبانى در آن، رأى فقهى خود و استادش ابوحنيفه و نيز ابويوسف را ذكر كرده و كمتر به آراى ساير فقها پرداخته‌است .

الجامع الصغير دربردارنده روايات ابويوسف از ابوحنيفه و آراى فقهى ابوحنيفه، ابويوسف و خود شيبانى است و جز در موارد معدود، آراى فقيهان ديگر را ذكر نكرده است. شيبانى در الجامع الكبير علاوه بر ذكر آراى فقيهان مذكور، اندكى به ادله و مبانى احكام فقهى هم پرداخته است .

نوادر شامل آن دسته از مسائل فقهى روايت شده از ابوحنيفه، ابويوسف و شيبانى است كه در كتابهاى ظاهرالرواية ذكر نشده‌ است، اعم از اينكه در ديگر تأليفات شيبانى (كيسانيات، هارونيات، جُرجانيات و رِقيّات) يا در آثار ساير اصحاب ابوحنيفه (مثل امالى ابويوسف انصارى يا المجرّد حسن بن زياد لؤلؤى) آمده باشد. همچنين مسائلى كه راوى آن از افرادِ مذكور، فقط يك نفر باشد، از نوادرند، مانند نوادر مُعلّى‌بن منصور (از شاگردان ابويوسف و شيبانى) كه شامل مسائل روايت شده از طريق او از ابويوسف، و گاه شيبانى، است . كتابهاى ظاهرالرواية به لحاظ اعتبار بر نوادر تقدم دارند.

ب) منابع جامع فقهى

المختصر اثر ابوجعفر طحاوى (متوفى 321) از قديمی‌ترين، جامع‌ترين و مهم‌ترين منابع جامع فقه حنفى است كه براساس المختصر، تأليف دايىِ او (اسماعيل بن يحيى مُزَنى) در فقه شافعى، تنظيم شده است. اين كتاب را فقيهان حنفى بسيارى شرح كرده يا بر آن حاشيه نوشته‌اند.

همچنين احمدبن محمد قُدورى كتابى مهم با نام المختصر نوشت كه علاءالدين محمدبن احمد سمرقندى (متوفى 540) تحفةالفقهاء را بر پايه آن نگاشت و در آن به برخى مسائلى كه قدورى ذكر نكرده بود نيز پرداخت؛

كتاب الفقه‌النافعِ ابوالقاسم محمدبن يوسف سمرقندى (متوفى 556) نيز اثرى مفصّل است. اثر ديگر بدايةالمبتدى تأليف برهان‌الدين بخارى مرغينانى است كه در آن، الجامع الصغير شيبانى و مختصر قدورى تلفيق شده‌اند.

ج) علم خَلاف

برخى از مهمترين آثار حنفيه درباره علم خلاف عبارت‌اند از:

1. الحجة على اهل المدينة اثر شيبانى كه در آن به اختلاف آراى فقهى ابوحنيفه با فقهاى مدينه، به‌ ويژه مالك‌بن انس، اشاره كرده و با استناد به ادله نقلى و عقلى، آراى استادش را بر آراى اهل مدينه ترجيح داده است .

2. مختصر اختلاف العلماء، تأليف ابوبكر جصّاص، تلخيصى است از كتاب اختلاف‌العلماء ابوجعفر طحاوى.

3.الاسرار، اثر ابوزيد عبداللّه بن عمر دَبُوسى، به مسائل اختلافى ميان حنفيان و شافعيان پرداخته است.

4. رؤوس المسائل، تأليف محمودبن عمر زمخشرى، كه در آن نيز مسائل اختلافى ميان حنفيه و شافعيه ذكر شده‌است.

5. منظومة الخلافيات، اثر عمربن محمد نسفى، كه اختلاف آراى فقهىِ ابوحنيفه، ابويوسف، شيبانى، زُفَربن هُذَيل، شافعى و مالك را -به صورت منظوم و به ترتيب ابواب فقهى - در بردارد. بر اين اثر مهم، شرحهاى زيادى نوشته‌اند.

6. مختلف‌الرواية، تأليف علاءالدين محمد اُسمَندى سمرقندى (متوفى 552)، كه علاوه بر بررسى روايات اختلافى ميان ابوحنيفه، ابويوسف، شيبانى و زفربن هذيل، آنها را با روايات شافعى و مالك‌بن انس نيز تطبيق داده است.

د) تك‌نگاري‌هاى فقهی

حنفيان در كنار تأليف منابع جامع فقهى، به نگارش كتب و رسالاتى در موضوعات جزئى و فرعى هم پرداخته‌اند كه برخى از مهمترين آنها عبارت‌اند از :

كتاب‌الخراج و الردُّ على سِيَر الاوزاعى، هر دو از ابويوسف؛

الشروط الصغير، اثر ابوجعفر طحاوى؛

كتاب النفقات، اثر ابوبكر خَصّاف؛

و شرح آن تأليف حسام الدين عمر بخارى، معروف به صدر شهيد؛

جامع احكام الصغار، اثر مجدالدين محمدبن محمود اُسروشَنى (متوفى 632)؛

تحفةالملوك، اثر محمدبن ابوبكر رازى (متوفى 666)؛

و نصاب الاحتساب، تأليف عمربن محمد سُنّامى (متوفى نيمه اول قرن هشتم) در موضوع حسبه.

 منابع اصول فقه

ابويوسف انصارى نخستين فقيه حنفى بود كه كتابى درباره اصول فقه نگاشت. در ميان آثار شيبانى هم كتابى با عنوان اصول‌الفقه به چشم مى‌خورد. برخى از مهمترين تأليفات حنفيان در اصول فقه عبارت اند از :

الف) اصول الشاشى اثر اسحاق بن ابراهيم شاشى (متوفى 325)، از قديمی‌ترين كتابهاى اصولى حنفيان، كه مباحث اصولى در آن به اختصار و بدون استدلال مطرح شده‌اند.

ب) الفصول فى الاصول، اثر ابوبكر جصّاص كه در واقع مقدمه‌اى است بر احكام القرآن خود او.

ج) تقويم الادلة فى اصول‌الفقه، تأليف ابوزيد دبوسى.

د) مسائل الخلاف فى اصول الفقه، اثر ابوعبداللّه حسين‌بن على صيمرى كه آن را براساس الفصول جصّاص نگاشته است.

ه) اصول بزدوى، اثر ابوالحسن على بن محمد بزدوى.

و) اصول السرخسى، اثر شمس‌الائمه محمدبن احمد سرخسى.

ز) ميزان الاصول فى نتائج العقول، تأليف علاءالدين محمدبن احمد سمرقندى (متوفى 540).

ح) المنتخب فى اصول المذهب از محمدبن محمد اَخسيكَتى (متوفى 644).

ط) المُغنى، اثر جلال‌الدين عمربن محمد خبّازى(متوفى 691).

ى) المنار اثر عبداللّه‌بن احمد نسفى.

ك) مِرقاةالوصول الى علم الاصول، اثر محمدبن فرامرز مشهور به ملّا خسرو.

 كتب قواعد فقه

تا پيش از قرن چهارم هيچ كتابى درباره قواعد فقه از حنفيان ثبت نشده است. به گفته ابن نُجَيم، ابوطاهر محمد دَبّاس (از معاصران ابوالحسن كرخى) هفده قاعده فقهى بر پايه مذهب حنفى گردآورده بود و شفاهآ بيان مى‌كرد. برخى از مهمترين آثار مكتوب درباره قواعد فقه حنفى عبارت‌اند از :

الاصول التى عليها مدار كتب اصحابنا، اثر ابوالحسن كرخى؛

تأسيس النظر، اثر ابوزيد دبوسى، شامل 86 قاعده مورد اختلاف ميان بزرگان حنفى يا ميان آنان و پيشوايان مذاهب ديگر؛

قواعدالفقه، اثر ابن نجيم، حاوى 440 قاعده فقهى؛

همچنین الفوائد الزينيّة فى مذهب الحنفية و الاشباه و النظائر هردو از ابن نجیم، كه از مهمترين كتب قواعد فقه حنفى است و شروح و حواشىِ متعددى دارد.

در چند سده اخير هم حنفيان آثارى درباره قواعد فقه نگاشته‌ا‌ند.

 شرح‌حال نگارى

شرححال فقيهان حنفى تا پيش از قرن هشتم در كتابهاى عمومى تاريخ، تاريخ محلى، كتابهاى عام طبقات اديبان و طبقات فقيهان مطرح مى‌شد، اما از قرن هشتم، كتابهاى متعددى در موضوع شرح‌حال و طبقات فقيهان حنفى نگاشته شد. البته ابوعبداللّه صَيمُرى در كتاب اخبار ابى حنيفة و اصحابه ضمن آوردن شرح‌حالى از ابوحنيفه، به شاگردان و فقهاى حنفى تا روزگار خويش اشاره كرده است.

از نخستين آثار در اين زمينه، وفيات الاعيان فى مذهب النعمان اثر نجم الدين ابراهيم بن على طرطوسى (متوفى 758) است و نيز كتابِ مفصّلِ صلاح الدين عبداللّه بن محمد (متوفى 769) درباره تاريخ فقهاى حنفى، كه به نوشته ابن حجر عسقلانى، براى تأليف آن دشواريهاى بسيارى را تحمل كرد و ابراهيم حلبى (متوفى 956) هم آن را تلخيص نمود.

كتاب ديگر، الجواهر المضيّة فى طبقات الحنفية اثر ابن ابى الوفاء عبدالقادر قُرَشى (متوفى 775) است كه از مهمترين آثار درباره طبقات حنفيان است. شمارى از مهمترين آثار متأخرتر در اين باره عبارت‌اند از:

نظم الجُمان فى طبقات اصحاب امامنا النعمان، اثر ابراهيم بن محمدبن دقماق؛

المِرقاة الوفية فى طبقات الحنفية، اثر مجدالدين محمدبن يعقوب فيروزآبادى (متوفى 817)؛

التذكرة، اثر على بن عبدالقادر مَقريزى (متوفى 845)، كه بعدها الهام بخش ابن قُطلوبُغا (متوفى 879) در تدوين اثر معروف خود تاج‌التراجم شد.

در قرن دهم، كتابهاى متعددى درباره طبقات حنفيه به نگارش درآمد، از جمله الطبقات السنيّة فى تراجم الحنفية، اثر تقى الدين بن عبدالقادر تميم الدارى (متوفى 1005)، بزرگترين كتاب شرح‌حال فقيهان حنفى.

طبقات الفقهاء، اثر احمدبن مصطفى معروف به طاشكوپرى‌زاده (متوفى 968)؛

كتائب اعلام الاخيار من فقهاء مذهب النعمان المختار، اثر محمودبن سليمان رومى كَفَوى (متوفى 990). همچنين، على بن امراللّه جنّابى (متوفى 979) كتابى مختصر درباره طبقات حنفيان تأليف كرده كه شامل 21 طبقه، از ابوحنيفه تا ابن‌كمال پاشاست.

در قرون بعد هم آثارى در طبقات حنفيه تأليف شد، از جمله الاَثْمار الجنّية فى اسماء الحنفية، اثر ملا على بن محمد هروى قارى؛

الطبقات الحنفية، اثر قاضى خليل رومى معروف به صولاقزاده (متوفى 1095)؛

و الفوائد البَهيَّة فى تراجم الحنفية، اثر محمد عبدالحى لكنوى هندى، كه تلخيص از كتائب اعلام الاخيار محمودبن سليمان كفوى، همراه با برخى افزوده‌هاست.